

واکاوی تاثیر شخصیت صدام در حمله به ایران

گروه سیاسی
امور پژوهش

تاریخ: ۸۶/۶/۱۷
کد کامپیوتری: SH.۷۰۰
کد بایگانی:



شناسنامه تحقیق	
عنوان	واکاوی تأثیر شخصیت صدام در حمله به ایران
پژوهشگر	حسن شمسینی
گروه پژوهشی	سیاسی
تعداد صفحات	۱۷
کد کامپیوتری	SH .۷۰۰

در سی و یک شهریور ۱۳۵۹ کشور عراق به دستور صدام رییس‌جمهور وقت آن کشور حمله همه جانبه‌ای را به ایران آغاز نمود که به مدت هشت سال طول کشید که در نوع خود از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم محسوب می‌شود. حمله عراق به ایران باعث حیرت جهانیان و از جمله خود مردم عراق گردید. گرچه مردم عراق در دوران رهبری صدام، چندان متوجه رفتارها و کردارهای صدام نشدند. جنگ تحمیلی از ابعاد و زوایای مختلفی قابل بررسی می‌باشد که یکی از این زوایا انگیزه‌های حمله عراق به ایران است. با توجه به گذشت حدود بیست سال از پایان جنگ می‌توان گفت که این رویداد زنده می‌باشد چرا که نکات ناگفته، زوایای پنهان بسیاری وجود دارد که بتدریج آشکار می‌شوند که اطلاعات و داده‌های جدید بخشی از تحلیل گذشته را تهی از معنا می‌سازند.

در ابتدا باید گفت که مسایل متعددی باعث حمله یک کشور به کشور دیگر می‌شوند که در زمینه حمله عراق به ایران اکثر این مسایل دخیل بوده‌اند ولی برخی از این علل برجسته‌تر از سایر علل می‌باشد و آن شخصیت صدام می‌باشد. با توجه به نظرات و تئوریهای ارایه شده در زمینه اتخاذ تصمیمات مهم بخصوص سیاست خارجی از جمله تئوری جمیز روزنا می‌توان گفت که ویژگیهای روان شناختی صدام، نقش محوری در وقوع این جنگ داشته است. بنابراین واکاوی شخصیت صدام توانایی تحلیل و بازگویی بخشی از حوادث و رویدادها از جمله شروع جنگ ادامه روند جنگ. نوع تبلیغات رسانه‌ای عراق. ادبیات سیاسی مورد استفاده صدام، نوع رفتار صدام با فرماندهان عراق و... را دارد. البته باید خاطرنشان کرد که توجه به شخصیت صدام به معنای نادیده گرفتن سایر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیست و در واقع شخصیت صدام در حمله به ایران با توجه به این عوامل ظهور عینی یافت.

حمله عراق به ایران

جنگ آخرین وسیله برای پیشبرد منافع ملی و سیاست خارجی یک کشور محسوب می‌شود اما اقدام به جنگ در ابعاد مختلفی قابل بررسی است چنانکه این مقوله از زوایای روان شناسی، اقتصادی، نظامی، سرزمینی، نوع نظام سیاسی، ایدئولوژی حاکم بر یک کشور، شرایط داخل کشورها، تحول فکری، سیاسی در کشور و... مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین شروع جنگ را می‌توان در مسایل محدودیت جمعیت، عوامل اقتصادی و علمی، تجاوز خطری، انسجام داخلی از طریق مناقشه خارجی، رقابتی تسلیحاتی و مسایل امنیت، عدم توازن قدرت تحول قدرت، ملی گرایی داروینیسیم اجتماعی بین المللی، برداشت نادرست از نظام بین‌المللی، شخصیت رهبران سیاسی، مجتمع‌های نظامی و صنعتی و... دانست ولی در هر تجاوز نظامی یکی از این عوامل برجسته‌تر از سایر عوامل می‌شود. بالطبع حمله عراق به ایران جدا از این عوامل نیست و در شروع این جنگ برخی عوامل بیش از سایر عوامل نقش ایفا نمودند.

تاکنون عامل حمله عراق به ایران از رویکردهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و بدیهی است که بررسی این مسئله مورد ... و بغض‌های سیاسی از سوی دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی قرار گرفته باشد و در واقع رسانه‌ها دولتمردان و متفکران خارجی دیدگاه‌های خاص نسبت به شروع جنگ تحمیلی داشته باشند. در یک تقسیم بندی از سه بعد می‌توان سخن گفت که هر کدام از این ابعاد دارای رویکردهای خاص نسبت به شروع جنگ هستند:

ابعاد و نگرش	تقسیم بندی	رویکرد	علل
۱- ایرانی	۱- مسئولین و شخصیت‌های سیاسی و لشکری ۲- رسانه‌های داخلی ۳- متفکران و تحلیلگران ایرانی	نگرش جهانی مذهبی انقلاب اسلامی	- مبارزه با کشورهای سلطه‌گر بخصوص آمریکا با ایران و تحریک عراق برای حمله به ایران از سوی آمریکا - تضعیف انقلاب اسلامی - شخصیت صدام حسین - ترس عراق از ایجاد انقلابی نظیر انقلاب اسلامی در عراق
۲- عراقی و منطقه‌ای (تئوری غربی)	۱- مسئولین و شخصیت‌های سیاسی و لشکری ۲- رسانه‌های داخلی ۳- متفکران و تحلیلگران عراقی	سرزمینی مذهبی ایدئولوژی عربی وفارسی	- مسئله ارون‌د رود و خوزستان - تحریک شیعیان عراق - تحریک کردهای عراق - صدور انقلاب به عراق
۳- بین الملل	۱- مسئولین و شخصیت‌های بین المللی ۲- رسانه‌های جهانی ۳- متفکران و تحلیلگران همچون شهرام چوبین، جمیزیل، گراهام	جغرافیای شخصیت صدام تبعان انقلاب اسلامی	- شخصیت صدام - خلاء قدرت در منطقه - اختلافات ارضی - معضلات ژئوپلیتیکی عراق - وقوع انقلاب اسلامی ایران و صدور انقلاب - عدم تثبیت جمهوری اسلامی - مشکلات داخلی عراق به لحاظ انسجام - اختلافات ایدئولوژیکی دو کشور تنش بین ایران با کشورهای قدرتمند دیگر بخصوص آمریکا

این تقسیم‌بندی داری اشکالات متعددی است چرا که دارای شائبه‌های سیاسی، عمل‌گرایی و عدم توجه به نکات مهمی می‌باشد- بنابراین این تحلیل‌ها بیشتر خوراک رسانه‌های تبلیغاتی می‌باشد. در یک نگاه علمی و آکادمیک می‌توان تقسیم‌بندیهای متعددی از چرایی حمله عراق به ایران ارائه کرد که این تقسیم‌بندیها را می‌توان به داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، بر اساس مدل روزنا، بر اساس علل اصلی و فرعی و یا بر اساس علل داخلی (عراق و ایران)، اختلافات دو کشور، منطقه‌ای و بین‌المللی بیان کرد. بر اساس تقسیم‌بندی آخر علل حمله عراق به ایران این گونه قابل ذکر هستند؛ :

عناصر		توضیحات
۱- علل داخلی	الف: عراق ب: ایران	- مشکلات انسجام داخلی عراق = چنگ باعث وحدت و همبستگی - مشکلات ژئوپلیتیکی عراق = دستیابی به سواحل خلیج فارس - شیعیان عراق - شخصیت صدام = جاه طلبی و سودای رهبری جهان عرب - وقوع انقلاب اسلامی در ایران و عدم تثبیت کامل نظام جمهوری اسلامی - مشکلات داخلی ایران به لحاظ شورشهای داخلی
۲- اختلافات دو کشور		- اختلافات مرزی با یکدیگر - تقابل نظامهای سیاسی دو کشور - اختلافات دینی و فرهنگی دو کشور
۳- علل منطقه‌ای	اکثر کشورهای محافظه کار	- خلاء قدرت در منطقه - صدور انقلاب و ترس کشورهای محافظه کار
علل بین المللی	- آمریکا - کشورهای اروپایی همانند آلمان، انگلستان، فرانسه	- تنش بین ایران و آمریکا - در معرض خطر قرار گرفتن منافع غرب در ایران - گسترش اسلام گرایی در اکثر کشورهای اسلامی

نظریه جیمز روزنا و انگیزه‌های حمله عراق به ایران

جیمز روزنا، تئوریسین روابط بین الملل معتقد است که در هر تصمیم‌گیری سیاست خارجی علت رفتار سیاسی یک دولت به مجموعه‌ای از عوامل گوناگون مربوط می‌شود که با اولویتهای متفاوت در کنار هم جمع شده و نهایتاً به تصمیم‌گیری سیاست خارجی منجر می‌شوند. این مجموعه در ۵ دسته یعنی متغیرهای^(۱) شخصیت تصمیم‌گیرنده،^(۲) نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده،^(۳) متغیر بروکراتیک،^(۴) اجتماعی^(۵) و نهایتاً سیستم بین‌المللی تقسیم‌بندی می‌شوند. که در زمینه متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده به مسایل خاصی از جمله خصوصیات، روحیه، افکار و اندیشه‌ها، خصوصیات روانی، نبوغ و تواناییهای کاریزماتیک و... توجه می‌شود. بر اساس این متغیر تصمیمات متخذه از ناحیه یک شخص با تصمیمات شخص دیگر در همان موقعیت به خاطر توانایی‌ها و روحیات متفاوتشان، متفاوت می‌باشد و البته روزنا این متغیرها را با توجه به نوع سیستم سیاسی حاکم (باز و بسته بودن) و... متفاوت می‌داند. (محمدی ۱۳۷۲، صص ۲۵۳-۲۵۱) برای مثال در زمینه عراق می‌توان گفت که در این کشور با توجه به تأثیرپذیری مستبدان در آن تاریخ، شخصیت تصمیم‌گیرنده نقش اساسی دانست و با توجه به نظام مستبدان از نظام بین‌الملل و فقدان پایگاه اجتماعی و عدم درک شرایط داخل و صرفاً به فکر افزایش قدرت شخصی خود و... سیستم بین‌المللی در این کشور بعنوان بازیگر نقش دوم می‌باشد. به طور کلی با توجه به تئوری روزنامه در مورد انگیزه‌های حمله عراق به ایران این متغیرها را به این گونه رابه بندی کرد:

۱- شخصیت صدام

۲- حدود اختیارات تصمیم‌گیرنده

۳- سیستم بین‌الملل

۴- متغیر اجتماعی

۵- عوامل بروکراتیک

نقش سیستم بین المللی

نقش آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق: از بی طرفی مثبت در جنگ تا رویکرد کم شدت در نوسان بود آیا دولت آمریکا در شروع جنگ ایران و عراق نقش اساسی داشته است؟ اکثر منابع و اسناد، نقش دولت آمریکا را بیان می‌کند. چراکه آمریکا با توجه به وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال منافع خود در منطقه بود. بنابراین درصدد انتقام و نابودی و تضعیف جمهوری اسلامی برآمد چنانکه اکثر رسانه‌ها و نشریات غرب پرده از افزایش نفوذ آمریکا بر عراق برداشتند و مقامات آمریکا از جمله برژینسکی، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا با صدام پرداختند و آمریکا در صدد کاهش اختلاف و تضادها با عراق برآمد. آمریکا امیدوار بود در سایه تحریم‌های اقتصادی و حمله عراق به ایران در سیاستهای ایران تغییراتی بوجود آید و الگوی رفتار ایران منطبق با سیاستهای آمریکا شود. چنانکه:

روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: نقش دولت آمریکا در شروع جنگ (بعد از گروگان گرفته شدن دیپلماتها):

۱- پیاده کردن نیروهای نظامی در شهرهایی که محل نگهداری گروگانهای آمریکایی است.

۲- مین گذاری در میادین صدور نفت و بمباران پالایشگاههای ایران

۳- چشم‌انداز جنگ ایران با کشورهای نیرومند (عراق) شاید ایران را وادار سازد که در سیاستهای خود تجدید نظر نماید.

مثالهایی که نشان دهنده نقش دولت آمریکا در شروع جنگ است. سفرهای برژینسکی به عراق، تماسهای مکرر امرای فراری ارتش ایران و مسئولین دولت آمریکا و حکومت بغداد و کمکهای فراوان دولتهای عرق دوست آمریکا در خلیج فارس. به هر حال آمریکا در آغاز تهاجم رژیم بعثی عراق به ج.ا.ا دولت کارتر پیوسته در فضای تعارض آمیزی از اعلان بی‌طرفی در جنگ و هار تشدید خطر ایران بر دول عربی خلیج فارس حرکت می‌کرد آمریکا اعلام کرد که به هیچ یک از دو طرف اسلحه نخواهد داد و خواهان ادامه جریان نفت است. اما بعد از فتح خرمشهر حمایت از عراق را علنی نمود افرادی مثل جرج شولتز (وزیر خارجه) و ریچارد مورفی معاون او از این موضوع حمایت کردند و این اعمال و گفتار سیاستمداران آمریکایی علیه ایران بر بیگانگی ایران از آمریکا افزود.

عملکرد دولت ریگان در طول جنگ در مقابل ایران

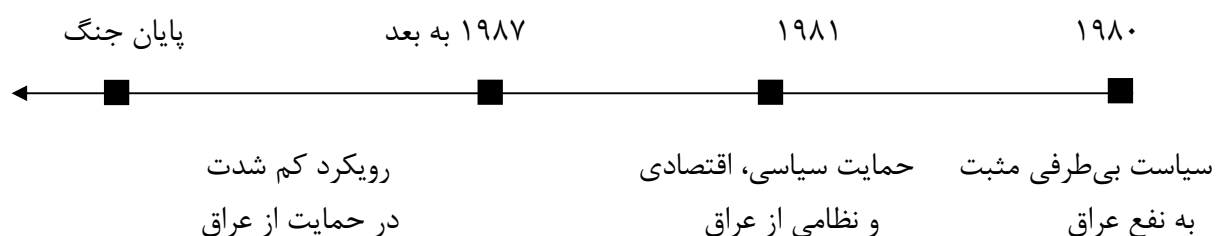
الف) عملکرد دولت سیاسی و نظامی:

- ۱- حمایت و پشتیبانی از عراق (حمایتهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، نظامی)
- ۲- تشکیل دادن نیروهای واکنش سریع در خلیج فارس (فرماندهی مرکزی)، لازم به توضیح است که تشکیل این نیروها از زمان کارتر شروع شده بود.
- ۳- تحریم تسلیحاتی ایران (عملیات استانچ)
- ۴- افزایش نیروهای آمریکایی در خلیج فارس و آمدن ناوینسنس به خلیج فارس و حمله به ایستگاههای نفتی و هواپیمای مسافربری (ایرباس)
- ۵- اسکورت نفتکشهای کویتی در خلیج فارس
- ۶- اعزام نیرو به لبنان برای سرکوبی نیروهای اسلامی و مبارز طرفدار ایران در لبنان
- ۷- قرار دادن نام ایران در فهرست کشورهای تروریستی، بعضی از اقدامات تروریستی به ج.ا.ا نسبت داده شد.
- ۸- منزوی ساختن ایران در جهان و در صحنه بین الملل و تبلیغات سوء علیه ایران در مجامع و محافل بین المللی
مثل به تصویب رساندن قطعنامه‌ای در محکومیت ایران در رابطه با حقوق بشر
- ۹- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با حمایت آمریکا برای مقابله با انقلاب اسلامی و سیاستهای ج.ا.ا

ب) عملکرد اقتصادی:

- ۱- کاهش دادن قیمت نفت و فشار بر خریداران نفت که از ایران نفت نخرند
 - ۲- آمریکا از حل و فصل دعاوی و آزاد شدن داراییهای ایران در دیوان داوری لاهه جلوگیری کرد.
- بنابراین آمریکا نمی‌تواند مهر بی‌طرفی در جنگ ایران و عراق بر خود زند و نقش خود را منکر شود چنانکه پولی تاکسیس در یک تحلیل حقوقی می‌گوید: آیا دولتی که دست به تلاش دیپلماتیک همه جانبه‌ای برای قطع دسترسی یک طرف منازعه بر تسلیحات زده و مسئولیت اصلی سکوت شورای امنیت را در طول هشت سال تجاوز به ایران به عهده گرفته می‌تواند مهر بی‌طرفی بر خود بزند؟

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که سیاست آمریکا از بی‌طرفی به طرف رویکرد حمایت همه‌جانبه از عراق رفته است. این توضیح که آمریکا در دو سال اول جنگ یعنی تا آزادی خرمشهر سیاست بی‌طرفی در پیش گرفته بود ولی از این زمان تا فتح فاو و تا سال ۱۳۶۵ توسط نیروهای ایرانی از دولت عراق حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی می‌کرد که این حمایت‌ها از سوی ویلیام کیسی رئیس وقت سیا به عنوان بی‌طرفی فعال نام برده شد ولی بعد از این زمان بخصوص بعد از سال ۱۳۶۶ خود مستقیماً وارد عمل شد و یک رویکرد کم شدت به ایران نشان داد مثل زدن نفتکش‌های و اسکله‌های نفتی ایران، زدن هواپیمای مسافربری ایران (ارباس) دادن اطلاعات نظامی ایران به عراق.



نقش صدام در شروع جنگ تحمیلی

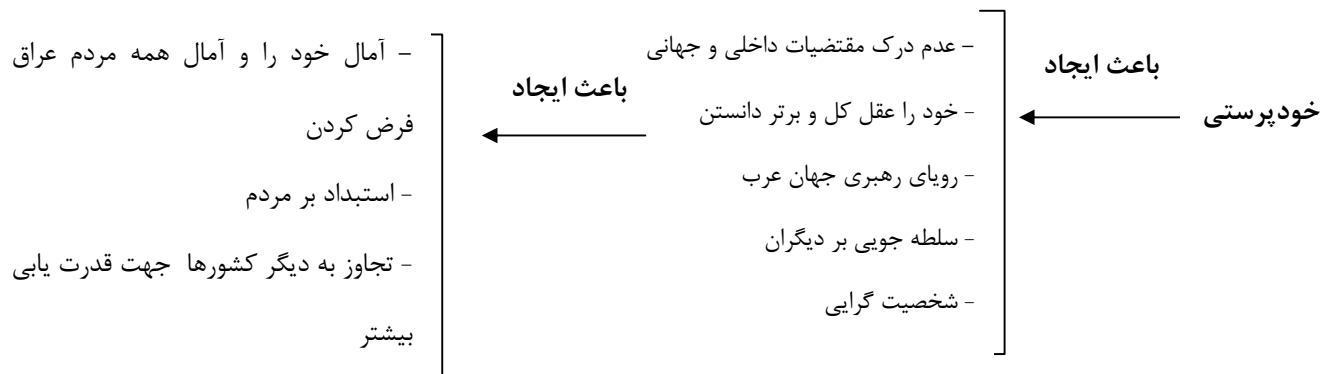
بسیاری از حوادث و رویدادهای دوران صدام بیانگر آن است که وی تأثیرگذارترین عنصر در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کشور عراق از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ بوده است. در واقع همه عرصه قدرت و جامعه عراق در صدام خلاصه شده است و در زمینه حمله عراق به ایران باید گفت که متغیر بنیادین خود صدام می‌باشد. وی با توجه به خصوصياتی از قبیل جاه طلبی، شهرت به دنبال افزایش قدرت داخل و منطقه‌ای خود بود و برای رسیدن به اهداف شخص خود هر ابزاری از جمله حمله به کشورهای همسایه متوسل شد. چنانکه دکتر روح الله رضانی می‌نویسد: جنگ عراق در ایران، در واقع واکنش و پاسخ عراق به تهدیداتی بود که از ناحیه بنیادگرایی - احساس می‌کرد اما علت دیگر آن ناشی از بازتاب و انعکاس جاه طلبی و قدرت طلبی صدام نیز بوده است. (محمدي. ۱۳۷۲ ص ۲۱۶) به طوی کلی انگیزه کلی صدام در حمله به ایران برآورده کردن خواسته‌های شخص خود بود که این تمایلات و اهداف را می‌توان این گونه بیان کرد:

تمایلات	راهکارها	شرایط	تبلیغات رسانه‌ای
رهبری جهان عربی نقش ژاندارم منطقه جبران تحقیر قرار داد ۱۹۷۵	حمله به ایران حمله به کویت	وقوع انقلاب اسلامی تنش بین ایران و آمریکا افزایش قدرت اقتصادی افول رژیم مصر با توجه به قرارداد کمپ دیوید	ارایه چهره فرهنگی وایدئولوژیکی از حمله به ایران: جنگ اعراب و فارس ترس کشورهای عربی از قدرت ایران

ویژگی‌های روانشناختی صدام

۱ - بدبینی و بی اعتمادی به دیگران: صدام اختلالات شدید پارانوئیدی (سوء ظن) به دیگران داشت و معتقد بود که دشمنانش در هر جایی که وی حضور دارد آماده اند تا اسیرش کنند و حتی می توان گفت که یکی از قوانین صدام این بود که هرگز به شریک توطئه اعتماد نکن. به طور کلی صدام یک فردی شدیداً شکاک و آماده تلافی جویی بود و خود را در محاصره همیشگی دشمنان می دید. به طور مثال وی معتقد بود که ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و ایران به منظور نابودی وی متحد شده اند. حتی کاخ سفید صدام، بیانگر چنین ویژگی می باشد. چنانکه یک ظاهر فاخر و جسورانه روی یک باطن و ذهنیت سرشار از احساس محاصره شدن، قرار گرفته بود. در زیر کاخ وی یک پناهگاه زیرزمینی به شکل ماموت وجود دارد که با فولاد و بتن تقویت شده است.

۲ - خودشیفتگی شدید؛ صدام خودپرستی و بزرگنمایی شدید از خود نشان می داد. به همین دلیل توجهی به درد و رنج مردم عراق نداشت و قادر نبود مخالفان خود را درک کند ولی در مورد شانس موفقیت خود بسیار خوشبین بود.



۳ - خشونت: صدام علاقه شدیدی به خشونت داشت و حتی یکی از دلایل به قدرت رسیدن وی مساله خشونت بود. وی زمانی که کودک بود مورد سوء استفاده قرار می گرفت. ولی دیگر نمی خواست به کسی اجازه چنین کاری را بدهد و آزارهای گذشته را با نشان دادن خشونت بی حد و مرزی جبران می کرد. صدام یک حسابگر سیاسی قسی القلب بود که برای نیل به اهدافش دست به هر کاری می زد ولی بقای او در مسند قدرت و افزایش قدرت او بالاترین اولویت بود.

۴ - رویارویی رهبری جهان عرب: صدام همیشه آروز داشت تا به عنوان یک رهبر جهانی قابل احترام مورد توجه قرار گیرد. رفتارهای او با آمریکا، کشورهای عربی بخصوص در زمان حمله به ایران بدبینی او به رهبران جهان عرب همچون عبدالناصر و همین طور کشورهای عربی قدرتمند بیانگر چنین ویژگی بود. وی حتی تنها به فکر رهبری کشورهای حوزه خلیج فارس نبود بلکه رویای رهبری جهان عرب را در سر می‌پروراند و تلاش می‌کرد تا خود را در جایگاه جمال عبدالناصر قرار دهد. به همین دلیل از هر فرصتی در جهت دستیابی به رهبری جهان عرب استفاده می‌کرد. به طور مثال در سال ۱۳۵۹ که فرصت را برای حمله به ایران - البته به زعم خود - مناسب دید چرا که هنوز نظام جمهوری اسلامی تثبیت نشده بود و خلاء قدرت در منطقه وجود داشت و از طرف دیگر آمریکا روابط خصمانه‌ای با ایران برقرار کرده بود در چنین شرایطی صدام با هدف دستیابی به رهبری جهان عرب به ایران حمله کرد. او حتی رسالت تاریخی حزب بعث را ایجاد یک امپراتوری واحد زیر چتر حزب بعث و به رهبری خود دانست و همچنین در طول جنگ تحمیلی، این جنگ را به صورت جنگ بین ایران و اعراب در آورد. او حتی بارها در سخنان خود اظهار کرد که از جانب اعراب به پا خاسته تا حقوق از دست رفته آنها را دوباره به دست آورد. صدام با حمله به ایران می‌خواست خود را قهرمان جهان عرب معرفی کند. به این منظور وی می‌کوشید تا دوباره پیروزی در جنگ قادسیه را به یاد اعراب آورد. به همین جهت جنگ خود را با ایران قادسیه دوم یا قادسیه صدام نامید.

صدام خود را یکی از رهبران پیشرو جهان عرب و جهان سوم می‌دانست و همواره خود را با عبدالناصر، کاسترو، تیتو، هوشی مینه، و مائوتسه تونگ مقایسه می‌کرد. او حتی تصور می‌کرد که بسیاری از مردم عرب با نظرات و دیدگاههای او هم رأی هستند و او را قهرمان خود می‌دانند. به نظر صدام او برای نقش رهبری ملت عرب در نظر گرفته شده است و نباید اجازه داد که چیزی مانع این مسیر مسیحایی مبارز کبیر در راه نیل به تقدیر انقلابی اش بشود. گرچه صدام در بیشتر سالهای دوران حکومت خود بر عراق در گمنامی بسر برد و تحت الشعاع مقام قهرمانانه سایر رهبران خاورمیانه بخصوص امام خمینی (ره) و جمال عبدالناصر قرار گرفت.

صدام برای حفظ قدرت و تحقق رهبر جهان عرب سیاستهای مختلفی در طول رهبری عراق در پیش گرفت که برخی از این سیاستها در دورانهایی مختلف عبارتند از:

۱ - تجاوز به ایران

۲ - رویارویی با آمریکا در جریان اشغال کویت و بعد از آن

۳ - دشمنی با رژیم صهیونیستی و تهدید این رژیم به حمله نظامی

۴ - اشغال کویت در پوشش حمایت از فلسطین

۵ - تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای؛ صدام فکر می کرد که به علت در اختیار داشتن این تسلیحات به عنوان یکی از مهمترین رهبران جهانی مورد تایید قرار می گیرد

۶ - تظاهر به اسلام؛ (صدام از سال ۱۹۹۰ تلاش کرد تا خود را طرفدار سرسخت اسلام نشان دهد).

به همین دلیل شیوه‌های مختلف برای تحقق این امر را در پیش گرفت :

۱ - خود را عبدالله نامید

۲ - روش سخنرانیهای او همچون خطیبان نماز جمعه شده بود

۳ - محتوای سخنرانی های او به گونه ای شد که بیانگر طرفداری از اسلام و نابودی فساد بود

۴ - چندین میلیون قرآن در عراق چاپ و توزیع کرد

۵ - تظاهر به اقامه نماز در اول وقت می کرد

۶ - ساخت مسجد صدام: که می توان گفت بزرگترین مسجد بعد از مسجدالحرام است

۷- آرم الله اکبر را در میان سه ستاره پرچم عراق قرار داد.

۵ - **کلام صریح و آشکار صدام؛** با توجه به آنکه نوع و لحن صدام و سخن در همه رهبران مهم می باشد ولی برای مردم عرب اهمیت زیادی دارد چرا که به طور تاریخی و طبیعی اعراب برای کلام صریح ارزش زیادی قایل هستند و زبان شجاعت و تهور را یکی از علامت‌های رهبری می‌دانند. یکی از دلایل شهرت عبدالناصر به خاطر

گفتارش بود. به طور مثال عبدالناصر بخاطر تهدیدات تندش و اینکه دریا را از خون اسرائیلیان سرخ خواهد کرد وجهه زیادی به دست آورد. صدام نیز از این کلام در برابر ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی بهره برداری زیادی کرد که در کوتاه مدت در بخشی از اعراب عراق و کشورهای دیگر منطقه موثر بود.

۶- احاطه متملقین بر صدام؛ گرچه وجود متملقین در دولت عراق در کنار صدام ناشی از ویژگی‌های خود صدام بود. اما همین متملقین باعث شدند که خصوصیات منفی صدام افزایش یابد چرا که این افراد باعث شدند که صدام از واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی دور شود و تصمیمات و سیاستهای او با شرایط جدید انطباق نداشته باشد که همین ناهمخوانی باعث خسارتهای جبران ناپذیری بر عراق و دیگر کشورها به وجود آورد.

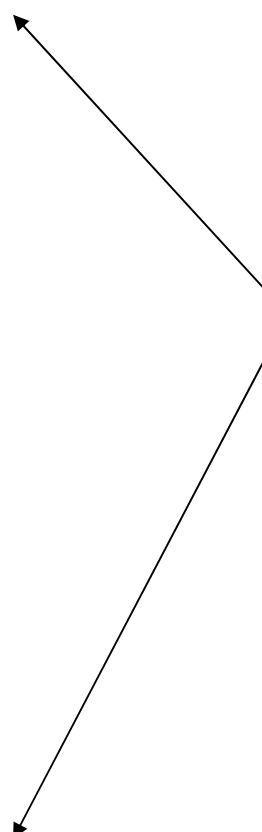
۷- وفاداری به شخص؛ وفاداری به شخص یکی از خصوصیات اصلی صدام بود، به گونه‌ای که عدم وفاداری به صدام مساوی با عدم وفاداری به عراق، حزب بعث و قانون اساسی بود و حتی هرگونه انتقاد از صدام به معنی عدم وفاداری تلقی می‌شد و تبعات سنگینی همچون کشته شدن، از دست دادن شغل و ... به وجود می‌آورد. صدام تجسم هموپولیتکوس یا جوینده قدرت بود. یعنی کسی که یک نیاز شخصی راه یک هدف عمومی و این کار را به صلاح عموم تعبیر می‌کرد.

تبعات خصوصیات روانی منفی صدام

- جهان بینی تنگ و تاریک
- بدبینی به اکثر مدیران ارشد خود
- کیش شخصیت گرایی و دودمان گرایی : قدرت زیاد پسران صدام از جمله موارد شخصیت گرایی بود.
- محدود کردن دایره قدرت ؛ قدرت بیشتر در اعراب سنی مرکز عراق بود.
- مخالفت با آزادیهای سیاسی و تشکیل حکومت تک نفره
- عدم مشورت با دیگران و به طور کلی عدم اعتقاد به گفتگو و دیدگاههای دیگران
- افزایش دشمنی مردم عراق با خود
- روند فزونی عدم حمایت حامیان گذشته صدام از او بخصوص سنی های مرکز
- عدم توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مردم عراق
- امنیتی کردن فضای عراق
- جدایی و تفکیک نخبگان و متفکران از نظام سیاسی
- خود را عقل برتر عراق دانستن
- آرزوها و نیات خود را برابر با اهداف مردم عراق فرض کردن
- سوءاستفاده دشمنان مسلمانان از این ویژگیها و تحریک صدام برای حمله به کشورهای دیگر از جمله ایران و کویت و سوء استفاده رژیم صهیونیستی از جنگ میان مسلمانان

برخی مصادیق
عینی ویژگیهای
روانشناختی
صدام

داخلی



خارجی

- ۱۹۷۹: اعدام بیست و یک نفر مسئولین وقت عراق و به دست گرفتن کامل قدرت
- کشتن همه کسانی که مسبب رهبری صدام حسین بودند
- کشتن وزیر بهداشت خود و برخی افسران نظامی عراق در طول جنگ تحمیلی در سال ۱۹۸۲ به اتهام های گوناگون
- کنار گذاردن برخی سران نظامی عراق بعد از تصرف کویت
- کشتن برخی از اقوام و خویشاوندان خود
- ایجاد بدل برای خود
- کاخ صدام در بغداد
- قدرت بسیار زیاد پسران صدام در عراق (قصی و عدی)
- کشتارهای وسیع از کردها و شیعیان

- حمله به ایران
- حمله به کویت
- نوع برخورد و تقابل با رژیم صهیونیستی
- همکاری با آمریکا و غرب در زمان حمله به ایران و تقابل خاص با آمریکا با هدف کسب رهبری جهان عرب پس از حمله به کویت

نتیجه گیری

گرچه در طول شخصیتها نقش اساس در تغییر و تحولات داشته و دارند ولی خود شخصیتها برآمده از بطن شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... هستند. در واقع یک نوع تعامل بین شرایط و شخصیتها وجود دارد این مسأله تأثیر شخصیت در کشورها ساختارهای استبدادی بیشتر از کشورهای دموکراتیک می باشد چرا که در این نوع کشورها ساختارهای فرهنگی، نهادهای دموکراتیک و ... بسیار ضعیف می باشند و شخصیتها محور اساسی تصمیمات می باشند و تمامی برنامه ها و سیاستها به شخصیت اصل بازمی گردد اما در کشورهای دموکراتیک افراد هر ویژگی که اعم از مثبت و منفی داشته باشند باید در چارچوب ساختارها عمل کنند و به طور کلی و به طور معمول در فرهنگ دموکراتیک افراد مستبد بوجود نمی آید و در صورت شکل گیری این افراد و کسب قدرت توسط آنها، ساختارها و نهادها مانع از یکجانبه گرایی و رفتار استبدادی می شوند اما متأسفانه وضعیت کشورهای فاقد فرهنگ و نهادهای دموکراتیک از یک طرف چنین افراد و شخصیتهایی را بوجود می آورد و از سویی دیگر فاقد ظرفیت لازم برای جلوگیری از رفتارهای استبدادی حاکمان است. شرایط عراق پیش از صدام و در دوره حکومت فردی صدام بسیار مهم می باشد چرا که این کشورها با حمایت از چنین افرادی قدرت آنها را افزایش می دهند و باعث ایجاد سیاستهای و تصمیمات خاص از جمله حمله عراق به ایران می شوند و مانع از تحولات دموکراتیک و زوال حکومتهای مستبد می گردند رفتار شوروی سابق و برخی کشورهای دیگر از جمله آمریکا با صدام بیانگر چنین مطلبی می باشد. به هر حال صدام با توجه به ویژگی های روان شناختی خاص عامل اصلی در زمینه حمله عراق به ایران تلقی می شود و عناصر دیگر همچون سیستم بین المللی، عامل اجتماعی، بوروکراتیک و نقش و حدود و اختیارات بعنوان عوامل بعدی قلمداد می شوند. اما آنچه که اهمیت دارد این است که باید بسترها و شرایط به گونه ای تغییر یابد که کسانی که همچون صدام توانایی دسترسی به قدرت نداشته باشند. این مهم با توجه به تحول در خاستگاهها به مفهوم دگردیسی در فرهنگ و بینش های سیاسی، دینی تثبیت فرهنگ دموکراسی مبتنی بر شرایط دینی و بومی، افزایش سطح آگاهی مردم و ... امکان پذیر خواهد بود.